**( 30 )**

**هو الله**

ای بندۀ جمال ابهی مسائلی که سؤال نموده بودی ابدا فرصت جواب نه در هر روز مکاتیبی میرسد که در آن صد سؤال هست عبدالبهآء با جمیع این مشاغل و غوائل که فرصت تنفس ندارد و مسجون و اسیر و از جمیع جهات هجوم متتابع چه از داخل و چه از خارج و این سؤالات که اکثر جوابش در کلمات موجود متصلا متتابعا وارد دیگر ملاحظه فرمائید چگونه مشغول بجواب شود و کدامیک را جواب دهد این مسائل جمیع در کتب و الواح موجود مراجعت بالواح الهی نمایند اگر چنانچه مشکل حل نشد آنوقت سؤال کنند نه اینکه هر نفس آنچه بخاطرش خطور نماید بدون مراجعت الواح الهی سؤال جدید نماید و جواب جدید خواهد حضرت موسی خوف از عدم ایمان فرعون داشت نه خوف جان چنانچه در قرآن میفرماید انی اخاف ان یفرطون میفرماید من می ترسم پیش از تبلیغ امر پیشی گیرند و تعرض نمایند و خوف از طغیان و عصیان داشت نه برای نفس خود و اما مسئله خوف از حبال و عصاهای سحره خوف از این داشت که مبادا تأثیر در نفوس نماید نه خوف از اذیت بر نفس خود و این حبال و عصا شبهات قوم است حضرت موسی از این خائف بودند که مبادا تأثیر در نفوس نماید و اما امکان حصول مقام انبیا از برای جمیع خلق این ممکن نه زیرا خلق بمراتب است مادون ادراک ما فوق را ننماید و خلقکم اطوارا سنگ خارا یاقوت حمرا نگردد و خذف و صدف لؤلؤ لألا نشود حضرت قدوس در ظل حضرت اعلی بودند نه مستقل لکن حضرت عیسی و حضرت رسول ذات مستقل مؤمنین این ظهور بمقام انبیاء بنی اسرائیل رسند اما نه انبیای اولوا العزم زیرا آنان ظهور کلی بودند باری مظاهر کلیه الهیه که بالاستقلال اشراق فرمودند مقامی دیگر دارند و شأنی دیگر هیچ نفس بمقام و رتبه آنان نرسد و علیک البهآء الأبهی (ع ع)